

اراده جمهوری اسلامی برای بقا: مقاومت هسته‌ای محتمل شورش اجتماعی نامحتمل

به قلم سعید گلکار (fa/experts/syd-glkar-0/), مهدی خلجی (fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۱۳ ژوئن ۲۰۱۳

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/islamic-republics-will-survive-likely-nuclear-resistance-unlikely-social-revolt

درباره نویسنده

سعید گلکار (fa/experts/syd-glkar-0/)

سعید گلکار هموند مرکز روبرتا بافه (Roberta Buffett) برای مطالعات بین‌المللی و تطبیقی در دانشگاه نورث‌وسترن است



مهدی خلجی (fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع فلسفه و کارشناس سیاست ایران



تحلیل کوتاه

در تاریخ ۷ ژوئن ۲۰۱۳ سعید گلکار و مهدی خلجی در نشست مباحث سیاست‌گذاری در انستیتو واشنگتن سخنرانی کردند. آقای گلکار هموند مرکز روبرتا بافه (Roberta Buffett) برای مطالعات بین‌المللی و تطبیقی در دانشگاه نورث‌وسترن و نویسنده گزارش جدید انستیتو با عنوان هنر بقا در جمهوری اسلامی است. آقای خلجی هموند ارشد انستیتو و تهیه‌کننده پیشین بی.بی.سی و بخش خبری فارسی دولت آمریکا است. آنچه می‌خوانید خلاصه‌ای است که یک گزارشگر از اظهارات آن‌ها تهیه کرده است. فیلم سخنرانی کامل آقای خلجی نیز در صدر این متن در دسترس است.

سعید گلکار

به طور کلی رژیم‌های غیردموکراتیک با سه تهدید اولیه برای بقا مواجه‌اند: تهدید از بالا (کودتا) تهدید از پایین (قیام عمومی) و تهدید از خارج (مداخله خارجی). جمهوری اسلامی ایران در بیش از سی سال گذشته به دلیل توانایی‌اش در مقابله با هر یک از این تهدید پابرجا مانده است.

موثرترین راهبرد رژیم برای خنثی‌سازی کودتاهای بالقوه ایجاد توازن در قدرت نظامی از طریق ساختارهای موازی بود. هدف از تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۹۸۰ محافظت از رهبری در مقابل هر گونه تهدید از سوی ارتش بود. پس از آن‌که جنگ ایران و عراق در اواخر دهه ۸۰ میلادی به پایان رسید رژیم برای استحکام کنترل خود بر نیروهای نظامی و امنیتی به تقویت سه ساختار فرماندهی موازی دست زد: ستاد کل فرماندهی نیروهای مسلح شبکه «نمایندگان ولی فقیه» [در نهادهای نظامی] و دستگاه‌های ضابطه‌ای.

امروزه دو نهاد آخری – نمایندگان ولی فقیه و دستگاه‌های ضابطه‌ای – ریشه‌های عمیق پیدا کرده‌اند و شمار بسیاری از آن‌ها در

واحدهای کوچکتر نیروهای نظامی و انتظامی حضور دارند. هر سه ساختار به عنوان ناظر بر یکدیگر عمل می‌کنند. نمایندگان ولی فقیه معمولاً روحانیون هستند و مقاماتی از ارتش ایران هم بر دستگاه‌های ضابط‌اطلاعاتی نظارت می‌کنند. بنابراین هر دو نهاد قدرت نخبگان سپاهی را تعدیل می‌کنند. در عین حال ستاد کل فرماندهی نیروهای مسلح از طریق رئیس دفتر نظامی رهبر ایران به او گزارش می‌دهد که از نیروهای شبه‌نظامی بسیجی است. از طریق این سازوکار است که آیت‌الله علی خامنه‌ای بر سپاه نیز دست برتر دارد.

رژیم همچنین از مشوق‌هایی برای پیشگیری از کودتا استفاده می‌کند و با دخیل ساختن پرسنل امنیتی در کسب‌وکار و دیگر امور اقتصادی تمایل آن‌ها را برای کودتا و تصرف حکومت کاهش می‌دهد.

برای مقابله با قیام عمومی نیز رژیم از راهبرد سازمان‌دهی و بسیج حامیان خود و همزمان به هم زدن سازمان و بی‌تحرک ساختن مخالفان خود پیروی می‌کند. تهران از طریق شبکه بسیج و دیگر شبکه‌ها نه تنها هسته اصلی طرفداران (فعال و بالقوه) خود را به حرکت درمی‌آورد بلکه با ارائه مشوق‌هایی ملموس جمعیتی را که میان مخالفت و وفاداری به رژیم متردد هستند به سمت خود می‌کشاند. وقتی که این افراد به شبکه‌های رژیم پیوستند ماشین تبلیغاتی آن‌ها را به سوی پذیرش ایدئولوژی‌های اسلامی می‌راند و از مخالفت با رژیم دلسرد می‌کند.

جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدهای خارجی حضور خود را در جهان و به‌خصوص در حیط خلوت ایالات متحده و اسرائیل که آن‌ها را دشمن خود فرض می‌کند گسترش داده است. این راهبرد شامل حفظ نفوذ رژیم در سوریه لبنان کوبا ونزوئلا و بولیوی است. رژیم برای شکل دادن به این محور مقاومت به دنبال به چالش کشیدن آمریکا و اسرائیل و همزمان بازداشتن آن‌ها از حمله به ایران است. رژیم ایران این راهبرد خود را «خیزش مقاومت» می‌نامد. دولت‌های غربی در هنگام وقوع منازعات مسلحانه معمولاً تلاش می‌کنند فرایندی برای خلع سلاح غیرفعال‌سازی و ادغام گروه‌های شبه‌نظامی مشخص کنند. هدف تهران دقیقاً برعکس است. تلاش رژیم ایران انسجام بسیج و مسلح ساختن مردم است.

بعید است وضعیت ایران در آینده‌ای نزدیک تغییر کند اما مجال خوش‌بینی در درازمدت وجود دارد. این کشور با وجود تدریجی رهبران آن محل زندگی برخی از میان‌روترین نخبگان سیاسی منطقه است. حمایت مردم ایران از ایده‌آل‌های لیبرال حضور جمعیت بزرگی از تحصیل‌کردگان و بی‌علاقگی عمومی به اسلامیزه کردن جامعه از آینده‌ای بهتر نوید می‌دهد - اما نه تا زمانی که خامنه‌ای در قدرت باشد.

مهدی خاجی

نقش آیت‌الله خامنه‌ای در سیاست اقتصادی و خارجی ایران طی سال‌ها به شکل چشمگیری افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۹ وقتی که خامنه‌ای به عنوان رهبر انتخاب شد سیاستمداری نسبتاً ضعیف بود. در واقع همین مسئله دلیل انتخاب او به عنوان رهبر به شمار می‌رفت. در آن زمان نخبگان جمهوری اسلامی باور داشتند که کسی نمی‌تواند جایگزین شخصیتی مثل روح‌الله خمینی شود و از این رو سمت رهبر یک سمت تشریفاتی خواهد شد. با این خط فکری بود که رئیس‌جمهور تبدیل به چهره اصلی رژیم شد - در واقع وقتی خامنه‌ای به عنوان رهبر انتخاب شد اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت قدرتمندترین فرد در سیاست ایران بود. رفسنجانی در خاطرات خود از سال ۱۹۸۹ ذکر کرده که خامنه‌ای در اوایل همان سال نزد او شکایت کرده بود که نقش او به عنوان رهبر «یکنواخت و خسته‌کننده» است. این نکته نشان می‌دهد که سمت رهبری در آن زمان در مقایسه با ریاست‌جمهوری تا چه حد ضعیف بوده است.

بعد از جنگ ایران و عراق مقامات سپاه می‌خواستند نقشی در جامعه سیاسی ایران داشته باشند. خامنه‌ای و رفسنجانی توافق کردند که به سپاه اجازه دهند در اقتصاد ایران بیشتر دخیل باشد و رهبر منطبق با نقشی که قانون اساسی به عنوان فرمانده سپاه به او داده بر این روند نظارت داشته باشد. به مرور زمان خامنه‌ای ساختار سپاه را طوری تغییر داد که به قدرتمندترین نهاد کشور تبدیل شد. همزمان چون رفسنجانی تصمیم گرفت تا بر بهبود وضع اقتصادی تمرکز کند رهبر مجال یافت تا نه تنها سپاه را مدیریت کند بلکه دستگاه‌های اطلاعاتی قضایی و شبکه رادیوتلوویزیون دولتی را نیز اداره کند. خامنه‌ای با در اختیار گرفتن اسلحه زندان‌ها و ماشین تبلیغاتی توانست دیگر بازیگران سیاسی را تضعیف کند طوری که در طول دوره دوم ریاست‌جمهوری رفسنجانی خامنه‌ای بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده در مورد همه امور عمده شد و کار رئیس‌جمهور به نظارت بر بخش‌هایی محدود شد که پیشاپیش رهبر در آن به نفوذ شخصی عمیقی دست یافته بود. روسای جمهور بعدی نیز با آن‌که با رای مردم انتخاب می‌شدند از لحظه‌ای که به قدرت می‌رسیدند زیر نفوذ رهبر بوده‌اند.

امروزه خامنه‌ای قویا بر این باور است که غرب هرگز مشروعیت جمهوری اسلامی را به رسمیت نشناخته است. به نظر او خصومت میان ایران و ایالات متحده واقعی است و با توجه به تحریم‌های دیرینه ایالات متحده از بدو تاسیس جمهوری اسلامی این دشمنی وجود داشته است. رهبر ایران باور دارد جنگ ایران و عراق نه آن‌قدر با بغداد که با غرب بوده است.

در بن‌بست فعلی رابطه با جامعه بین‌المللی هراس خامنه‌ای از تهاجم فرهنگی غرب بیشتر از هر گونه تحریم اقتصادی است^۱ و به شکلی بیمارگونه معتقد است که کاخ سفید در هماهنگی دائم با هالیوود گوگل و اپل در صدد است تا قلوب و اذهان ایرانیان را تسخیر کند^۲ این واقعیت که فیلم «آرگو» امسال جایزه اسکار بهترین فیلم را از آن خود کرد و میشل اوباما بانوی اول ایالات متحده این جایزه را به دست‌اندرکاران این فیلم داد عقیده خامنه‌ای را مبنی بر این که شخص رئیس‌جمهور اوباما طرحی برای بی‌ثبات‌سازی رژیم دنبال می‌کند تقویت کرد^۳ بنابراین به یک معنا غرب نیروی ایده و تأثیری را که قدرت نرم می‌تواند بر رژیم ایران داشته باشد دست‌کم گرفته است^۴

و سرانجام گفتنی است که اصرار خامنه‌ای بر رد بی‌درنگ سازش -چه در سطح بین‌المللی و چه در داخل ایران- هر چند به او امکان قبضه کردن هر چه بیشتر قدرت را می‌دهد اما به وجهه و جایگاه رژیم در میان ایرانیان آسیب می‌رساند^۵ مثلاً در سال ۲۰۰۹ میرحسین موسوی نامزد اصلی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری پیشنهاد کرد که اگر خامنه‌ای با بازشماری آرای انتخاباتی جنجالی آن سال توافق کند او دیگر به عنوان نامزد در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت نخواهد کرد^۶ اما رهبر ایران اصرار کرد که نامزد مورد نظر او برنده شده و پیشنهاد موسوی را رد کرد و بعد او را تحت حصر خانگی درازمدتی قرار داد که تا امروز ادامه دارد^۷ این سیاست عدم سازش هم مشروعیت حاکمیت خامنه‌ای و هم مشروعیت رژیم را به مخاطره انداخته است^۸ در اقدامی مشابه خامنه‌ای در رد صلاحیت رفسنجانی برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری امسال (۲۰۱۳) با وجود محبوب بودن رفسنجانی تردیدی به خود راه نداد^۹

موضع عدم سازش رهبر ایران به بن‌بست هسته‌ای نیز تعمیم یافته است^{۱۰} سعید جلیلی مذاکره‌کننده فعلی هسته‌ای در جریان یک مناظره انتخاباتی از حسن روحانی که مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای در دوران رئیس‌جمهور محمد خاتمی بوده انتقاد کرد که در مذاکرات از خود قاطعیت نشان نداد^{۱۱} روحانی تأکید کرد که در دوره‌ای که او سیمت مذاکره‌کننده ارشد را بر عهده داشت برنامه هسته‌ای ایران در حال پیشرفت بود بی آن‌که منجر به صدور قطعنامه سازمان ملل بر ضد این کشور شود^{۱۲} اما استدلال جلیلی این بود که روحانی به قیمت تعلیق غنی‌سازی اورانیوم و عدم مقاومت از تحریم‌ها اجتناب کرده است^{۱۳} این گذار -از سیاستی هسته‌ای با «مقاومت» کمتر به رویکردی سازش‌ناپذیر- مستقیماً با میزان مسلط شدن تدریجی خامنه‌ای بر قدرت مقارن است^{۱۴} اگر او قدرت خود را در سال‌های پیش رو حفظ کند و یا افزایش دهد جنبه مقاومت کردن پایدار می‌ماند و چون مبنای اصلی تصمیم‌گیری خامنه‌ای در خصوص همه سیاست‌هاست نتیجه آن بی‌اعتنایی کامل به هر گونه سازش خواهد بود^{۱۵}

*این خلاصه گزارش به دست گیو روزن (Guive Rosen) تهیه شده است^{۱۶}

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy

فوریه ۲۰۲۲ ۱۴

Simon Henderson

(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy)



BRIEF ANALYSIS

Libya's Renewed Legitimacy Crisis

أوروبا ٢٠٢٢ ١٤



Ben Fishman

[\(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis\)](#)



BRIEF ANALYSIS

The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

أوروبا ٢٠٢٢ ١٤



Sana Quadri ,

Hamdullah Baycar

[\(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/mn-ashah/\) منع اشاعه](#)

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\) عرب و اسلام سياسى](#)

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\) ايران](#)